

فتح‌الله گولن و جنبش اجتماعی-سیاسی وی در ترکیه

بهرام نوازنی*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

نوژن اعتضادالسلطنه

دانش آموخته ارشد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

معصومه صالحی

دانش آموخته ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

چکیده

در میان اندیشمندان سیاسی اسلام‌گرای ترکیه، فتح‌الله گولن چهره‌ای نام آشنا برای تحلیلگران امور سیاسی و مذهبی ترکیه و اروپایی به شمار می‌رود. اما درباره وی و آثارش در ایران متون بسیار اندکی وجود دارد و آرای وی تا اندازه‌ای ناشناخته مانده است. تأکید گولن بر الگوی همزیستی میان-ادیان دوره عثمانی و الگوی سنتی آن دوران، خود نشان از محافظه‌کاری و تأثیر سنت در اندیشه سیاسی وی دارد. سازگاری اسلام و مدرنیته، آموزش جوانان، امنیت، نقش زنان در جامعه و گفتگوی میان‌ادیان از مهم‌ترین عناصر فکری اندیشه گولن می‌باشد. اما سؤال اصلی این است که نقش اندیشه و فعالیت‌های وی چه تأثیری بر جنبش اجتماعی-سیاسی اسلام‌گرای ترکیه و حزب عدالت و توسعه که بیش از ۱۰ سال زمام امور ترکیه لائیک را در دست خود دارد، داشته است. این مقاله با مطالعه آثار و فعالیت گولن تلاش می‌کند تا رابطه میان نظریه وی و معیارهای ایدئولوژی سیاسی محافظه‌کاری کلاسیک غرب و تأثیرگذاری وی بر جریان اصلی اسلام‌گرایی در ترکیه کنونی را تبیین نماید.

واژگان کلیدی: ترکیه، فتح‌الله گولن، حزب عدالت و توسعه، محافظه‌کاری کلاسیک غرب،

اسلام و مدرنیته.

مقدمه

فتح‌الله گولن (Fethullah Gulen) از جمله اندیشمندان مسلمانانی است که همواره نه تنها از هرگونه فعالیت سیاسی هدفدار دوری کرده بلکه بارها هرگونه ادعای رهبری سیاسی و یا تلاش برای کسب قدرت سیاسی را نیز انکار کرده است. وی که تلاش می‌کند تا از خود چهره یک متفکر «غیر سیاسی» (Non-Political) ارائه دهد، بر دوستی و محبت میان انسان‌ها با یکدیگر و میان انسان و پروردگار تأکید دارد و چنین اظهار می‌دارد که «جز خشنودی خداوند، هدف دیگری ندارد.» گولن حتی جنبشی را که به نام خود رهبری می‌کند، جنبشی «غیر سیاسی» معرفی نموده و می‌افزاید «علیرغم اقدام و یا تحرک جمعی این جنبش، نمی‌توان آن را به عنوان جنبشی سیاسی تلقی نمود.» (Gulen, 2012)

با وجود آنکه گولن خود را واعظی مذهبی و پیروانش از او بعنوان رهبر یک جنبش مذهبی یاد می‌کنند، اما آثار گولن بیش از آنچه خود مدعی است دارای یک برداشت سیاسی‌گونه است. چنانچه جنبش وی بارها از ترکیه بعنوان «سومین قدرت جهانی» نام برده و شخص گولن نیز همواره از «هژمونی سیاسی غرب در جهان» انتقاد کرده و آشکارا جهت‌گیری اسلامی دارد. با وجودی که گولن بر گفتگوی میان ادیان و لزوم تساهل تأکید می‌کند اما در مقابل تلاش بسیاری را برای تأسیس مدارس خود در سرتاسر جهان بخصوص در آسیای مرکزی و اروپا بکار بسته است تا اندیشه خود را در اقصی نقاط جهان گسترش دهد. دشواری درک این اندیشه علاوه بر اینها به زندگی پنهانی گولن در ایالات متحده آمریکا و ارتباطات تأثیرگذار وی بر رهبران حزب عدالت و توسعه ترکیه که مدعی ارائه مدل جدیدی از اسلام سازگار با مدرنیته و دموکراسی می‌باشند نیز مربوط می‌شود که خود موجب بروز شایعات بسیاری درباره شخصیت گولن و جنبش وی در فضای داخلی ترکیه شده است. این مقاله تلاش می‌کند تا ضمن موشکافی اندیشه گولن، ارتباط و همسویی آن را با اندیشه محافظه‌کاری و ترویج محافظه‌کاری اجتماعی از سوی حزب عدالت و توسعه در ترکیه تجزیه و تحلیل نماید.

زندگی گولن

گولن در سال ۱۹۴۱ در روستایی از توابع ارزروم در یک خانواده محافظه‌کار مذهبی و در عین حال ملی‌گرا متولد شد. نواحی روستانشین ترکیه با وجود اصلاحات آتاتورک، همچنان ساختار سنتی دوره عثمانی را حفظ کرده بود. گولن از پدر بزرگش مولا احمد تأثیر بسیاری پذیرفته بود و به کمک او بود که از کودکی با زندگی صوفیانه و زاهدانه، علم آموزی به همراه فراگیری دین، کم خوردن و به جا خوابیدن، و خدمت به انسان‌ها خو گرفته بود. وی سه سال نخست دوره ابتدایی را در دبستانی دولتی گذراند اما در سال ۱۹۴۹ به خاطر مهاجرت کاری پدرش به دهکده‌ای دوردست، دیگر نتوانست به مدرسه برود. با اینحال وی با خودآموزی توانست

تحصیلاتش را ادامه دهد و مدرک دیپلم متوسطه را بدون رفتن به مدرسه بگیرد. در این فاصله وی همچنان به آموزش مذهبی و حفظ و تفسیر قرآن، آموزش زبان عربی و احادیث پیامبر اکرم (ص) به همراه سنت معنوی تصوف علاقه نشان می‌داد و در این باره تحت نظر استادانی چون محمد لطفی افندی (Muhammed Lutfi Efendi) قرار داشت. با وجود آنکه این چنین آموزش‌هایی از دیدگاه رسمی مانعی نداشت اما معلوم بود که از حمایت دولتی بهره‌ای نبرد چرا که دولت لائیک ترکیه، این نوع آموزش مذهبی را در تقابل با نظام آموزش رسمی قلمداد می‌کرد.

در میان افراد تأثیرگذار بر گولن، می‌توان از سعید نوری (Said Nursi) (۱۸۷۸-۱۹۶۰) ملقب به بدیع الزمان نیز نام برد. وی اسلام شناس سنی مذهب و از کردهای ترکیه بود که مهمترین کتاب وی مجموعه «رساله نور» متجاوز از ۶۰۰ صفحه می‌باشد. نوری معتقد به تلفیق علم مدرن و مذهب بود و پیروانش را به تدریس علوم مذهبی در مدارس سکولار و تدریس علوم مدرن در مدارس مذهبی تشویق می‌کرد و از این طریق نقش مهمی را در احیای اسلام در ترکیه ایفا کرده است. نوری تلاش می‌کرد تا از طریق فعالیت آموزشی نسلی ایجاد کند که با حفظ ریشه اسلامی خود در دنیای مدرن نیز مشارکت نماید و از این رو، راه جلوگیری از زوال مسلمین را در آموزش عنوان می‌کرد. نوری علاوه بر تشویق مسلمین به علم آموزی، آنان را از پیروی از مکتب اثبات‌گرایی غربی (Positivism) برحذر می‌داشت و معتقد بود مسلمانان باید به فهمی بومی از علم برسند تا از طریق علم، قوانین طبیعت و هنر آفریدگار را درک نمایند. از نظر وی، بزرگترین دشمن اسلام، مادی‌گرایی (Materialism) و خدا ناباوری (Atheism) بوده و بزرگترین خطر را در کمونیسم می‌دید و به همین خاطر پس از آزادی از زندان در سال ۱۹۴۰ از حزب دموکراتیک به رهبری عدنان مندرس که نماینده طبقات روستایی و محافظه‌کار بود حمایت کرد و با اعتقاد به ضرورت اتحاد مسلمانان و مسیحیان در مبارزه علیه مادی‌گرایی و کمونیسم از مواضع غرب‌گرایانه این حزب و تمایل به عضویت ترکیه در ناتو و پیمان سنتو و مشارکت ترکیه به همراه ایالات متحده در جنگ کره پشتیبانی نمود. گولن در مدت آموزش در مدارس دینی با اندیشه‌های نوری آشنا شد و به عنوان یکی از اعضای فعال جماعت پیروان او تا دهه ۸۰ میلادی با این جمعیت همراه بود (Gozyaydin, 2009) و پس از آن به ایجاد تشکیلات مستقلی برای خود تصمیم گرفت.

تکمیل آموزش مذهبی گولن تحت نظر استادان برجسته مکتب صوفی سبب شد تا در سال ۱۹۵۹ از سوی ریاست امور مذهبی (Diyanat Isleri Baskangili) ترکیه به امامت مسجد شهر ادیرن در شمال غربی ترکیه نزدیک مرز یونان منصوب و در سال ۱۹۶۶ بعنوان خطیب در شهر ازمیر، سومین شهر بزرگ ترکیه، به فعالیت مذهبی خود ادامه دهد. گولن در سال ۱۹۶۳ نیز مجموعه درس‌هایی پیرامون آثار مولانا را در ارزروم آغاز کرده و همزمان با شرکت در

جمعیت‌های ضد کمونیستی و جذب جوانان دانشجوی، خشم اقتدارگرایان لائیک را برانگیخته بود. همین اقدامات سبب شد تا پس از کودتای نظامی سال ۱۹۷۰ به مدت ۷ ماه به زندان افتد. با اینحال وی دست از فعالیت خود برنداشت و پس از رهایی به فعالیت خود برای بازداشتن جوانان از محافل کمونیستی تمرکز کرد و با اعطای بورسیه تحصیلی به فرزندان خانواده‌های مذهبی و جلوگیری از تأثیرپذیری دانش‌آموزان در فضای به شدت سیاسی آن دوره، به گسترش شبکه آموزشی خود پرداخت. وی متوجه شده بود که بدلیل سیاست‌های غیر مذهبی دولتی، جوانان از دانش دینی تهی شده‌اند. بنابراین در سال ۱۹۷۵، اردوهای تابستانه تحت عنوان «اردوهای نور» را برای نوجوانان خانواده‌های کم‌درآمد راه اندازی نمود و در آنجا به تدریس متون دینی و تعالیم نرسی پرداخت و به دانش‌آموزان آموخت که چگونه هویت اسلامی خود را در جامعه‌ای سکولار حفظ نمایند. وی تا سال ۱۹۸۰ به همکاری با ریاست امور مذهبی ترکیه ادامه داد تا اینکه در نهایت استعفا داد.

تحول اساسی در فعالیت گولن در اواسط دهه ۷۰ میلادی بوجود آمد. وی تا این زمان برای مقابله با کمونیسم و چپ‌گرایی در ترکیه، به تدریس در مدارس عمومی روی آورده بود اما در سال ۱۹۷۷ که به شمال اروپا سفر کرد با ترک‌های مهاجری آشنا شد و آنها را به جنبش دعوت کرد تا از آن طریق هویت فرهنگی و مذهبی خویش را حفظ نمایند. این سفر نقطه عطفی در زندگی گولن بود چرا که در جذب مهاجران ترک‌تبار اروپا بسوی خود موفق شده بود و هم‌اینان بودند که بعدها اعضای اصلی جنبش وی را تشکیل دادند. سخنرانی‌های وی در دهه ۸۰ میلادی با حضور صدها شرکت‌کننده، بر خودداری از خشونت، آنارشیسم و ترور متمرکز شده بود و نوار کاست آنها در سرتاسر ترکیه توزیع می‌شد. اهمیت این موضوع اینجا بود که این‌گونه فعالیت جریان گولن، پس از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی این کشور نه تنها ممنوع نشد بلکه همچنان با احتیاط بیشتری ادامه یافت.

(www.guleninstitute.org/about-gulen/biography)

شاید علت اصلی تحمل دیدگاه و فعالیت گولن از سوی نظامیان حاکم این بوده که ترویج هویت اسلامی از سوی وی بر پایه اسلام منطبق با فرهنگ ترکی و به زعم آنان در مقابل اسلام ارتجاعی عربی بوده است و این موضوع می‌توانست ملی‌گرایی افراطی ترکی را برانگیزد. (Gozaydin, 2009; Agai, 2004) تا اواخر دهه ۱۹۸۰ وی در مساجد اصلی شهرهای استانبول و ازمیر به وعظ ادامه داد و جمعیتی را جذب می‌نمود که تا آن زمان در تاریخ ترکیه بی‌سابقه بود (Gozaydin 2009; www.guleninstitute.org/about-gulen/biography)

تحول اساسی در نگرش گولن در دهه ۹۰ میلادی و نسبت به غرب پدید آمد. گولن در سال ۱۹۹۱ به ایالات متحده سفری کرد تا در آنجا با شخصیت‌های دانشگاهی ترک‌تبار دیدار کند. او پیش از این، ایالات متحده را بد و شر می‌دانست اما پس از حضور و آشنایی با غرب، بتدریج تحت تأثیر کشورهای غربی بخصوص ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. گولن که تحت

تأثیر همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های مختلف در ایالات متحده آمریکا قرار گرفته بود نسبت به فرآیند غربی سازی کمالیست‌ها در ترکیه و بی‌توجهی آنان به مدارا و تساهل جویی انتقاد می‌کرد. (کدیور، ۱۳۸۶: ۵۵) در این سفر که پس از فروپاشی شوروی صورت گرفته بود وی تصمیم گرفت در آسیای مرکزی و در کشورهای تازه استقلال یافته آن منطقه مدارس آموزشی تأسیس کند. از این پس وی بیش از گذشته به حضور در رسانه‌ها و انجام مصاحبه‌های مطبوعاتی علاقمند شد.

از دیگر افراد تأثیرگذار بر فتح‌الله گولن، می‌توان به مولانا جلال‌الدین رومی، شاعر ایرانی تبار و یونس امره (Yunus Emre)، شاعر ترک تبار و صوفی مسلکی که تأثیر زیادی بر ادبیات ترکیه گذاشته است، اشاره کرد. گولن تحت تأثیر این دو شاعر صوفی مسلک، قرائت خود را «قرائتی مدرن از صوفی‌گرایی تساهل طلب آناتولی» معرفی می‌کند (Roditi, 1985: 27) و در اهمیت تأثیر آموزه‌های صوفی‌گرایانه می‌نویسد: «در حین تعلیم علوم مذهبی، کتب گوناگون صوفیانه را مطالعه می‌کردم. برای من تأثیر علوم مذهبی و صوفی‌گرایی به یک اندازه بوده است.» (Gulen, 2000: 14) از نظر وی صوفی‌گری راهی برای تکامل دائمی روح یک انسان است و همان طور که غم اصلی مولانا در جدا افتادن انسان از خداوند بود، گولن نیز خواهان سهیم شدن انسان‌ها در غم یکدیگر بوده و در این زمینه می‌گوید: «من در جستجوی یک قلب رنج دیده هستم. در جستجوی دوستی که پیوند عمیقی با خداوند داشته باشد و در مقابل او فروتن باشد با این حال بایستی اعتراف کنم که در این مسیر تنها هستم.» (Zaman newspaper, 30 March 2004) از همین روست که وی و پیروانش می‌کوشند تا قرائتی میان‌روانه و تساهل جویانه از اسلام ارائه دهند؛ (Sharon-Krespin, 2009) تفسیری از اسلام که آن را دین صلح و برادری و یک دین حقیقی دانسته که انسان‌ها را به عشق و نه نفرت، به مداراجویی و نه داوری درباره دیگران، بخشش و نه بیرحمی، صلح و نه جنگ دعوت می‌کند.

در سال ۱۹۹۹ گولن که در تمام عمر خویش تجرد را اختیار کرده، به توصیه پزشکان خود برای طی دوره درمانی بیماری قلبی و برای دوری از شرایط ملتهب پیش آمده پس از کودتای ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ که نجم‌الدین اربکان، نخست وزیر اسلام‌گرای ترکیه، مجبور به استعفا شده بود، به ایالات متحده آمریکا سفر کرد و تاکنون بر فراز خانه‌ای در تپه‌های پنسیلوانیای آمریکا تحت محافظت صدها محافظ مرد اقامت گزیده است. (Cetin, 2010 cited in www.guleninstitute.org/about-gulen/biography)

گولن از این پس، سه هدف اصلی را در فعالیت‌های خود دنبال کرده است که عبارتند از:

- ۱- آگاهی بخشی به مسلمانان،
- ۲- برقراری ارتباط میان علم و دین و نفی آموزه‌های ماتریالیستی،
- ۳- تجدیدنظر در قرائت سنتی از اسلام و بازسازی خاطره جمعی مسلمانان. وی در قرائت خود از اسلام تأکید ویژه‌ای بر انطباق نظریات اسلامی با اصول «اقتصاد بازار آزاد

سرمایه‌داری» دارد و به کمک پیروانش، شبکه پیچیده‌ای از شرکت‌های تجاری، املاک و شبکه‌های ارتباط جمعی در ترکیه و آسیای مرکزی را در اختیار دارد.

اندیشه سیاسی گولن

از واژه «سیاست» معانی مختلفی ارائه شده است و همواره بعنوان یک مفهوم مجادله‌آمیز مطرح بوده است. اگر سیاست را به معنی فعالیت برای کسب قدرت حکومتی و حفظ و افزایش آن معنی کنیم در گفته‌ها و نوشته‌های گولن درباره خویش هرگز نمی‌توان یک هدف سیاسی که به معنای تشکیل حزب سیاسی و کسب قدرت در یک ساختار پارلمانی باشد، مشاهده کرد. همان طور که قبلاً هم اشاره شد وی نه تنها خود بلکه جنبش خود را نیز به صراحت «غیر سیاسی» خوانده است. (Gulen, 2012)

اما چنانچه مطابق نظر ارسطو، سیاست را «تلاش جمعی در جهت رسیدن به زندگی خیر و حل تعارض میان منافع جمعی و منافع شخصی» بدانیم (Aristotle, 1944) در این صورت بسیاری از تلاش‌های جمعی انسان‌ها که به آینده‌ای روشن و آرمانی نظر دوخته است و در تلاش برای اصلاح رفتار فردی و اجتماعی انسان‌ها باشد در زمره فعالیت‌های سیاسی قرار می‌گیرد و اندیشه و فعالیت گولن هم از این ماجرا بی‌نصیب نمی‌ماند. وی در این باره ارائه تحلیل تنگ نظرانه از سیاست را نادرست دانسته و معتقد است: «آنهايي که سياست را بعنوان احزاب سياسي، تبليغات، انتخاب و مبارزه برای کسب قدرت سیاسی درک می‌کنند در اشتباه به سر می‌برند. سياست هنر مدیریت بر پایه دارا بودن چشم انداز برای امروز، فردا و آینده دور است تا اسباب رضایت مردم و خشنودی پروردگار را فراهم آورد.» (Gulen, 2000: 149) با ارائه چنین تعریفی از سیاست دشوار بتوان گفت که گولن اهداف سیاسی‌ای را دنبال نمی‌کند زیرا نظریاتی که وی درباره چگونگی مدیریت صحیح جامعه اظهار داشته است تنها از طریق در دست گیری قدرت سیاسی جامعه امکان عملی شدن خواهند یافت.

گولن در یکی از کتاب‌های خود با عنوان «کوه‌های زمردین قلب: فرضیات کلیدی در باب صوفی‌گرایی» که به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده است، بطور خاص بر موضوعاتی چون «الهیات» و «فردیت» تمرکز نموده است. توجه بیش از حد وی به مقوله «صبر و شکیبایی» در لحن گفتار کتاب، خود سبب شده تا از وی و پیروانش چهره‌ای محافظه‌کارتر و بیشتر پشتیبان حفظ وضع موجود ارائه شود تا اصلاح‌گرایانی ایدئولوژیک در عرصه سیاسی. گولن در کتابی با عنوان «بسوی یک تمدن جهانی همراه با عشق و تساهل» در تشریح جامعه، موضعی بیشتر اخلاقی دارد تا سیاسی. از دید وی علیرغم آنکه فناوری باعث تسهیل در دسترسی به امکانات مادی برای پیشبرد امور بشر بوده است اما جامعه امروزی از ارزش‌های سنتی به دور افتاده است. گولن علت این امر را دور شدن انسان‌ها از «مذهب و عشق» و شکاف افتادن میان «علم و معنویت» می‌داند بنابراین راه حل مشکلات امروزی بشریت را در رهایی از بحران معنویت با توجه دوباره به اخلاق و معنویات می‌داند. (Gulen, 2004: 241) به این ترتیب گولن خود را در

میان دو تفکر می‌یابد که یکی دیدگاه مادی‌گرایایی و ضد مذهبی مدرن و دیگری برداشت رادیکال از دین که علوم طبیعی و انسانی را در جهت منافع غرب قلمداد نموده و محتوای آنها را شیطانی می‌داند.

سیاسی نمودن مذهب از دید گولن امری تقلیل‌گرایانه است زیرا ارتباط رمزآلود و معنوی میان انسان و پروردگار را به حد ایدئولوژی تقلیل می‌دهد. او در این باره می‌نویسد: «مذهب رابطه‌ای میان مردم و پروردگار است. حس مذهبی در اعماق قلب زنده می‌ماند، چنانچه اشکال آن را نشان دهید به معنی آن است که آن را خواهید کشت، سیاسی نمودن مذهب پیش از آسیب زدن به حیات حکومتی، به مذهب زیان می‌رساند.» (Gulen, 2012) از نظر او مذهب نخست بر جنبه‌های تغییر ناپذیر زندگی و وجود متمرکز می‌شود در حالی که نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژیکی تنها بر جنبه‌های خاص تغییر پذیر اجتماعی زندگی دنیوی ما توجه می‌نمایند.

با این حال وی با بی‌تفاوتی مذهبی‌ها نسبت به امور سیاسی موافق نیست و آنان را به برکناری از حوزه سیاست و یا از اجتناب از توجه به سیاست تشویق نمی‌کند. به نظر وی افراد مذهبی در شهر خود مسئول اند و صرفاً رای دهندگان سیاسی و وفاداران به یک حزب خاص سیاسی نیستند. از همین روست که وی و اندیشه‌اش مورد حمله لائیک‌های ترکیه قرار گرفته و وی را به تلاش برای قبضه قدرت سیاسی از طریق اهرم‌های خاص خویش متهم می‌کنند. گولن مذهب را در مقامی بسیار بالاتر از سیاست و منبع عمده اخلاقیات قرار می‌دهد که در تضاد با مسئولیت سیاسی نیست. وی استفاده ابزاری از دین در عرصه سیاسی را نفی می‌کند زیرا از نظرش در صورت شکست و انحراف در آن عرصه، مردم ممکن است کل مذهب را نکوهش نمایند.

گولن حتی در جایی به صراحت موضعی سیاسی گرفته و مخالفان سیاسی خود اعم از «نخبه‌گرایان، سکولارهای نظامی، ملی‌گرایان افراطی و چپ‌گرایان در ترکیه» را در ایجاد ایده‌های سیاسی و یا ابزارهایی که بتواند این ایده‌ها را در عمل محقق کند شکست خورده می‌داند. از نظر وی، اینان «پوزیسیونی غیر موثر در پارلمان ترکیه و صدایی اقلیت از کل جامعه ترکیه» بوده و موقعیت و برنامه‌های همه آنان «از درون حزب جمهوری خواه خلق یا به زبان ساده «جریان چپ» ترکیه برآمده است.» (Gulen, 2012) البته گولن برای رسیدن به یک دنیای بهتر توصیه می‌کند که باید از طریق دوری از چالش و عمل مثبت و سازندگی اقدام کرد و اینکه در دنیای مدرن تنها راه پذیرش عقیده شما توسط دیگران «اقناع» آنان است و به این ترتیب از هرگونه اقدام تند و چالش برانگیز دوری کرده چرا که آن را موجب ایجاد خشونت و افراط‌گرایی می‌داند.

رابطه اسلام و دموکراسی

فتح‌الله گولن قائل به وجود تضاد میان اسلام و مدرنیته نیست و از دید وی اسلام «صوفیانه» که در ترکیه غالب است، نسبت به سایر جوامع اسلامی، توانایی بسیاری در انطباق با اقتصاد بازار آزاد و دموکراتیزاسیون و نظام سیاسی سکولار دارد. بنابراین از نظر وی اسلام و دموکراسی با یکدیگر سازگار می‌باشد. با این حال، گولن در تبیین رابطه اسلام و دموکراسی شروطی را قائل است. از نظر وی دموکراسی نوعی نظام سیاسی است ولی اسلام یک دین است و از جامعیت بیشتری نسبت به دموکراسی برخوردار است زیرا مسائل بسیاری را در بر می‌گیرد که نمی‌توان میان آن و دموکراسی ارتباطی برقرار کرد. (Gulen, 2004: 14) از دید وی، اسلام شکل ثابت و ویژه‌ای از حکومت را ارائه نکرده است و در تلاش برای شالوده بندی آن هم نبوده است و تنها آرمان‌های مشترک اجتماعی و جهانی اسلام و دموکراسی قابل قیاس با یکدیگر هستند. به نظر او، اسلام اصول اساسی‌ای را بنیان نهاده که بعدها از ویژگی‌های درخشان حکومت‌های غربی شده و آن حق مردم برای انتخاب نوع حکومت دلخواه خویش منطبق با شرایط زمانی و مکانی آنان است. وی به تغییر ناپذیر بودن آموزه‌های اخلاقی دین اعتقاد دارد اما شکل حکومت و نظام سیاسی را جزو اصول تغییر ناپذیر دین نمی‌انگارد. وی نقطه مشترک اساسی اسلام و دموکراسی در دنیای امروز را احترام انسان‌ها نسبت به یکدیگر می‌داند. (Gulen, 2004: 220)

دیدگاه گولن درباره «انتخابی بودن نظام سیاسی» از سوی مردم را می‌توان نزدیک به نظر عبدالرزاق دانست. عبدالرزاق در کتاب معروف خود با عنوان «الاسلام و اصول الحکم» بیان داشت که مسلمانان آزادند بر اساس «عقول بشری» و «تجارب انسانی» نظام سیاسی‌ای را برپا دارند که بهتر بتواند خیر و سعادت آنان را تأمین کند. (قادری، ۱۳۸۷: ۲۳۰) عبدالرزاق از متفکران اسلامی بود که تحصیلات خود را در الازهر مصر به پایان رساند و مدتی نیز قاضی شرع بود با این وجود پس از مدتی نظام سیاسی اهل سنت را به زیر سوال برد و تمامی ادله، آیات و روایات یا سیره پیامبر (ص) را مورد تردید قرار داد و آنها را به گونه‌ای تفسیر نمود که متضمن جدایی و تفکیک نهادهای حکومتی و دیانتی از یکدیگر بودند. البته تفاوتی میان این بخش از اندیشه عبدالرزاق و گولن وجود دارد و آن اینکه از نظر عبدالرزاق میان حکومت و دین رابطه محکمی وجود ندارد و به دلیل اظهار همین نظر مورد نقد جدی محققان و نظریه پردازان اسلامی قرار گرفت حال آنکه گولن معتقد به لزوم جدایی مطلق دین و حکومت از یکدیگر نیست و با وجود پذیرش ضمنی سکولاریسم آنگلوساکسونی (شکل معتدل سکولاریسم) با لائیسیتته تدروی کمالیستی ابراز مخالفت کرده است.^۱ البته برخی از منتقدان گولن معتقدند که وی بدلیل حساسیت‌های موجود درباره رابطه میان دین و حکومت در ترکیه بدلیل وجود میراث کمالیستی، سکولاریسم را مورد تایید ضمنی قرار داده است در حالی که به آن اعتقاد قلبی ندارد.

وی علیرغم تأکید بر قائل شدن حق انتخاب برای مردم از چگونگی سازوکار برگزاری انتخابات و روند آن سخن نگفته است که خود بر ابهامات می‌افزاید. با این حال او درباره همه گیر شدن دموکراسی در عصر جهانی شدن در جوامع امروزی تردید دارد و معتقد است «جایگزینی حکومت‌های دموکراتیک که به حقوق شهروندی افراد احترام می‌گذارند، با رژیم‌های خودکامه، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.» (Gulen, 2004: 230) گولن دموکراسی در جهان امروز را در نموده‌های متفاوتی چون: دموکراسی‌های مسیحی، سوسیال دموکرات‌ها و لیبرال دموکرات‌ها می‌بیند و در ادامه این پرسش را مطرح می‌سازد که چرا نباید دموکراسی‌ای با ارجاع به اسلام داشت؟ ما انسان‌ها نیاز مشترکی داریم اگر به زندگی پس از مرگ اعتقاد نداشته باشیم دچار افسردگی و اضطراب می‌شویم. او راه جلوگیری از شیطان پرستی، ترور و گرایش به مواد مخدر را در آموزش باور به خدا و مذهب در مدارس می‌داند.

امام خمینی و حکومت اسلامی

گولن شخصا درباره اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ابراز نظری نکرده، اما عدم اعتقاد وی به اسلام بعنوان یک ایدئولوژی سیاسی و مخالفت او با تشکیل حکومتی مذهبی، حکایت از این تفاوت دیدگاه دارد. از سوی دیگر، از نظر گولن یک مسلمان بایستی خود حکم قرآن و سنت را درباره زندگی فردی و خانوادگی خود دریابد در مسیری که آن را درک می‌کند و عرصه زندگی را هم نباید با محدودیت‌ها بر خود تنگ کند.» (Gundem, 2005) بنابراین وی به عکس امام و دیگر فقهای شیعه به لزوم پیروی مسلمانان از روحانیت اعتقاد ندارد و قرائتی فردی شده از دین ارائه می‌دهد که خود نشان دیگری از اختلاف نظر میان این دو متفکر اسلامی است. حتی طرفداران گولن تحلیل تطبیقی شخصیت گولن مبنی بر بازگشت از ایالات متحده و ایفای نقش رهبری سیاسی در ترکیه (همچون بازگشت امام خمینی (ره) از فرانسه برای رهبری انقلاب اسلامی ایران) را غیر علمی و غیرمستدل دانسته و معتقدند شرایط اجتماعی-سیاسی ایران و ترکیه کاملاً متفاوت از یکدیگر است و این مقایسه به آینده سیاسی اسلام در ترکیه کمکی نخواهد کرد.

از دید جنبش گولن، انقلاب اسلامی ایران بدلیل شخصیت حضرت امام (ره) و یا بازگشت ایشان به ایران شکل نگرفت بلکه وجود دولت ناکارآمد و مداخلات خارجی سبب گسترش اعتراضات علیه رژیم شاه و هم صدایی چپ‌گرایان، کمونیست‌ها، روحانیون و بازاریان طبقه متوسط گردیده بود. هواداران گولن که میانه خوبی با روحانیت بخصوص روحانیت شیعه ایران ندارند، بر این باورند که روحانیت ایران، دین سالاری (تئوکراسی) را بطور غیرمنتظره‌ای بر کشور تحمیل نموده‌اند. بنابراین، آنان وجود نظام دموکراتیک در ترکیه کنونی را به هیچ وجه مشابه شرایط سال‌های ۵۷-۱۳۵۵ ایران نمی‌دانند چرا که حزب عدالت و توسعه از طریق ساز

و کار انتخابات دموکراتیک به قدرت رسیده است و هیچ حزبی در ترکیه نمی‌تواند بدون مواجهه با چالش از سوی احزاب دیگر پارلمان، یکه تازی کند و به دیکتاتور تبدیل شود. (Meral, 2008)

از نظر اینان حضور امام خمینی (ره) در خلاء سیاسی آن دوره ایران سبب شد تا وی با ارائه چهره یک رهبر مومن و صادق و منطبق با ارزش‌ها و فرهنگ ایرانی، شاه و نخبگانش را به چالش بکشد و در همصدایی مذهبی‌ها با سوسیالیست‌ها، ذهنیت انقلابی در میان ایرانیان قوام یابد. آنان با اشاره به نقش اندیشه اعتقادی ظهور منجی امام زمان (عج) در تفکر شیعی و غیبت و سپس ظهور آن حضرت، آن را تا حدود زیادی مرتبط با پذیرش حضرت امام (ره) و ورود ایشان به ایران می‌دانند. از دیدگاه جنبش گولن، مقایسه شرایط ایران در سال ۱۳۵۷ با امروز ترکیه و همچنین مقایسه شخصیت حضرت امام (ره) با فتح‌الله گولن، قیاسی مع الفارق بوده و درباره امام خمینی (ره) و نقش وی در انقلاب اسلامی تحلیلی تقلیل‌گرایانه ارائه می‌نمایند. البته اینان در تحلیل نقش روحانیت شیعه در تاریخ تشیع به رابطه تنگاتنگ روحانیت با پیروان شیعه خود تصریح کرده و از ساختار روابط «سلسله مراتبی» حاکم بر آنان بعنوان یک نقطه قوت برای بدست گرفتن قدرت یاد کرده‌اند که در میان مسلمانان سنی چنین روابط عمیقی میان روحانیون و پیروان آنان وجود ندارد. اینان با اعتراف به وجود عوامل منحصر بفرد در ایران، معتقدند جنبش گولن از طریقی مدارجویانه، محافظه‌کارانه و با تأکید بر اصول سنتی دین اسلام، خواهان حل مسائل اجتماعی و سیاسی ترکیه است. (Meral, 2008)

مذهب و لائیسیته

در ترکیه اصل لائیسیته یا «بی‌طرفی دولت در امور مذهبی»، بر چالش‌ترین موضوع عرصه سیاسی از زمان تشکیل نظام جمهوری به این سو بوده است؛ اصلی که سرپیچی از آن سبب شد تا سران ارتش این کشور برای حراست از این اصل قانون اساسی به چندین کودتای نظامی دست زند. تاریخچه لائیسیته در ترکیه به دوران اصلاحات عثمانی تحت عنوان «تنظیمات» باز می‌گردد ولی بدلیل دید سنت‌گرایانه خلفای عثمانی، این اصل به اجرا درنیامد زیرا طبق ساختار عثمانی، مسلمان بودن خلیفه و انطباق خلافت با قوانین شریعت اسلامی یک ضرورت شمرده می‌شد و حتی در صورت تمایل خلیفه به جدایی دین و سیاست از یکدیگر، هنجارها و قوانین سنتی دوره عثمانی مانع از این کار می‌شد. تنها مصطفی کمال ملقب به آتاتورک بود که با الغای خلافت عثمانی و با حرکتی انقلابی توانست از استیلای مذهب و سنت‌های مذهبی بر زندگی مردم ترکیه جلوگیری کند و اصل لائیسیته را تنظیم و اجرا نماید. در نتیجه این اقدامات، در سال ۱۹۲۸ اصل مذهب اسلام رسماً از قانون اساسی جمهوری ترکیه حذف شد و در اصلاحیه ۵ فوریه سال ۱۹۳۷ جدایی کامل نهاد مذهب از دولت در ترکیه اعلام گردید.

این موضوع در آخرین بازنگری قانون اساسی ترکیه در سال ۱۹۸۲ نیز این گونه مورد تأکید قرار گرفت که هیچ مذهبی بعنوان مذهب رسمی از سوی دولت ترکیه برسمیت شناخته نمی‌شود. طبق اصل لائیسیتته که به صراحت در مقدمه قانون اساسی ۱۹۸۲ و بند اول آن یعنی «تفکیک» آمده است، «حق هیچ گونه مداخله احساسات تقدس‌گرایانه مذهبی در امور دولتی و سیاسی وجود ندارد.» هم چنین اصل ۲۴ قانون اساسی درباره عدم مداخله مذهب در سیاست بصراحت این چنین می‌گوید: «هیچکس حق بهره برداری و یا سوء استفاده از مذهب یا احساسات مذهبی و هر چیزی که در ارتباط با مقدسات مذهبی باشد را در راستای اهداف شخصی و سیاسی و یا در هر اندازه‌ای در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و اصول قانونی دولتی بر پایه اصول مذهبی نخواهد داشت» و حتی در ادامه بر تغییرناپذیر بودن این اصول تأکید شده است. در نتیجه طبق قانون اساسی ترکیه هرگونه دخالت مذهب و یا تفکر گروهی مذهبی در عرصه سیاسی آن کشور ممنوع اعلام شده است. امری که فعالیت گروه‌های اسلامگرا را همواره در آن کشور با چالش مواجه نموده است. (Gardom, 2010: 16) از این دیدگاه، لائیسیتته مدل ترکی اصل «بی طرفی» را برای دولت در قبال مذهب پذیرفته است. رابطه دولت و مذهب از طریق سازمانی که این منظور توسط دولت تأسیس شده است با عنوان «ریاست امور مذهبی» پیگیری می‌شود که نظارت بر امور عقیدتی، و مناسک مذهبی و اخلاقی اسلامی و هم چنین اداره مراکز و اماکن مقدس را بر عهده دارد.

گولن نظرات خود را درباره لائیسیتته به وضوح در چندین مصاحبه اظهار داشته است. از نظر او لائیسیتته، نظامی است که در آن نه تنها مذهب اجازه دخالت در امور دنیوی را ندارد، بلکه دولت نیز نبایستی در اعمال مذهبی مردم دخالت کند و همگان بایستی با آسودگی خاطر بتوانند به اعمال مناسک دینی خود در زندگی شان بپردازند و افراد در پذیرش هر عقیده و یا عدم پذیرش آن آزاد باشند. گولن به ضرورت گفت و گوی میان ادیان معتقد است و به نظر او: «هدف از گفتگوی ادیان در جهان، تنها تخریب جهان بینی مادی‌گرایانه نیست، بلکه بیش از آن خواسته‌ای طبیعی و مشترک بین مذاهب برای تحقق این امر وجود دارد. یهودیت، مسیحیت و اسلام و حتی هندوئیسم و سایر ادیان جهان، به اهداف و منافع مشترکی اعتقاد دارند. یک مسلمان کتب دینی تمام پیامبران الهی را می‌پذیرد.» و در ادامه به رابطه میان مسلمانان و یهودیان اشاره دارد می‌گوید: «جهان اسلام نشانه خوبی برای تعامل با یهودیان بوده است. در دوره عثمانی تبعیض و نسل کشی و انکار اصول بشریت علیه آنان صورت نپذیرفت بلکه همواره از حضور آنان استقبال شد. این امری است که پس از اخراج یهودیان از اندلس در جهان بی سابقه بوده است.» (Gozaydin, 2009)

گولن با استناد به احادیثی از حضرت علی (ع) که با عنوان «خلیفه چهارم مسلمین و داماد پیامبر اسلام» از وی یاد می‌کند، در ایمان، تمام مسلمانان را با یکدیگر خواهر و برادر می‌داند و

حتی فراتر از آن در انسانیت، غیر مسلمانان را نیز با مسلمانان خواهر و برادر می‌داند. از همین روست که وی معتقد به لزوم احترام به آزادی بیان عقاید است و با برداشت انحصارگرایانه و خشونت در دین مخالفت می‌ورزد و در نتیجه با اجرای کامل شریعت اسلامی موافق نیست چرا که از دید گولن، این کار با ضرورت گفت‌وگو بین‌الادیانی، جلوگیری از گرایش انسان مدرن به سوی ماده‌گرایی، اشتراک منابع و ماهیت تمام ادیان، توصیه قرآن کریم به گفتگوی بین ادیان و تساهل مذهبی بعنوان هدف زندگی انسانی و مهرورزی بعنوان نیاز به تساهل مخالفت دارد. برداشت وی از اسلام این است که در دین اسلام تمامی اصول مذکور موجود است. گولن به تقدس و روحانی بودن مذهب اعتقاد دارد و از همین روست که معتقد است نباید از مذهب بعنوان ابزاری برای هرگونه هدف دنیوی استفاده نمود. از نظر وی ترکیب مذهب و سیاست موجب تقدس زدایی از مذهب شده و آمیختگی سیاست با امیال انسانی منجر به تحقیر دین می‌گردد. (Brignone, 2011)

گولن بعنوان یک متفکر و فعال مذهبی هیچگاه از تبعات اصل لائیسیتیه مصون نبوده است. وی که با برداشت دگماتیک کمالیست‌های ترکیه از مفهوم لائیسیتیه و دید «بالا به پایین» آنان به جامعه، مخالف بود، علت اصلی افزایش شکاف میان نخبگان و مردم را در این می‌داند. گولن که الگوی رابطه دولت-جامعه در دوره عثمانی را به الگوی کمالیستی ترجیح می‌دهد، معتقد است قانونگذاری بایستی با توجه به نیازهای جامعه انجام شود و بی‌آنکه لائیسیتیه را مردود داند برای دولت یک وظیفه کارکردی بی‌طرفانه در قبال مذهب در تامین نیازها و برقراری امنیت داخلی و خارجی شهروندان قائل است. این همین رو، وی درباره لائیسیتیه در ترکیه با دیدی انتقادی معتقد است که لائیسیتیه ترکی متفاوت از شکل متعارف و فلسفی لائیسیتیه در کشورهای غربی بوده است و لائیسیتیه در ترکیه بجای «بی طرفی» با «بی دینی» اشتباه گرفته شده است. وی درباره نظام سیاسی ترکیه می‌گوید: «قانون اساسی ترکیه متعهد به لائیسیتیه است یعنی مردم می‌توانند در پذیرش و پیروی و پشتیبانی از گروه‌ها و برنامه‌های مذهبی آزاد باشند.» (Gulen, 2012) در حالی که تهی بودن عرصه سیاست ترکیه از اخلاقیات، سبب ایجاد «فضایی سرشار از حقه‌های کثیف و دورویی که منشاء فساد بوده، شده است.» (Yavuz & Esposito, 2004) وی با ابراز تاسف، سیاست در ترکیه را «روابط محافظت شده» (Protective relationships) قلمداد می‌کند و علت اصلی آن را عدم درک صحیح از مفاهیم دموکراسی لائیسیتیه و مذهب در ترکیه و سوء استفاده از آن دو می‌داند. در نتیجه این اظهارات بود که گولن بار دیگر به اتهام توطئه علیه «اصل لائیسیتیه» در ترکیه به دادگاه احضار شد و با وجودی که در سال ۱۹۹۹ از این اتهام تبرئه شد اما ناگذیر بلافاصله پس از آن، ترکیه را به مقصد ایالات متحده ترک نمود و تاکنون از آن کشور فعالیت خود را ادامه می‌دهد.

جنبش اجتماعی و سیاسی گولن

چارلز تیلی جنبش‌های اجتماعی را بعنوان مجموعه‌ای از کارکردهای ستیزه جو توصیف می‌کند که از طریق سازماندهی مردم معمولی حول مطالبات جمعی عمل می‌کند. از دید وی جنبش اجتماعی ابزار اصلی مشارکت مردمان معمولی در سیاست عمومی است. (Tilly, 2004: 262) سیدنی تارو نیز جنبش اجتماعی را چالشی جمعی از طریق مردم با اهداف مشترک و اتحاد در برابر نخبگان، صاحبان قدرت دیگر گروه‌ها یا هنجارهای فرهنگی توصیف می‌کند. (Tarrow, 1994) یک جنبش اجتماعی حداقل هویت جمعی مشترکی بر پایه فهمی مشترک از یک عامل و اقدامات جمعی یکسان را در بر می‌گیرد و هدف از آن ایجاد یک جامعه بهتر و متفاوت‌تر است که بیانگر شکلی از «بسیج اجتماعی» است. (Touren, 1981) در همین راستا می‌توان جنبش فتح‌الله گولن را یک جنبش اجتماعی نامید چرا که در ارتباط با فرهنگ مردمی بوده و ابتداء در دهه ۱۹۶۰ میلادی که پا گرفت بر ضد اندیشه کمونیسم شکل گرفت و پس از آن در دهه‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۰ فعالیت‌های خود را در سرتاسر ترکیه گسترش داده و در سطح بین‌المللی خواستار ایجاد یک جامعه آرمانی مبتنی بر تساهل مذهبی و تفاهم هویت‌های مختلف با یکدیگر و آن‌گونه که خود می‌گوید جامعه‌ای مداراجو و سرشار از محبت انسان‌ها نسبت به یکدیگر بوده است. گولن درباره هدف جامعه آرمانی خود و شیوه دستیابی به چنین جامعه‌ای معتقد است چنانچه بشر، ذات خداوند را به درستی درک کند و به وی عشق ورزد، قطعاً بسوی جامعه مدنی بهتر و سرشار از محبت و تساهل رهنمون خواهد شد. این اظهار نظر گرچه به یک اظهار نظر سیاسی برای نارضایتی از وضع موجود و ارائه یک جامعه آرمانی شبیه است اما از آنجا که هیچ‌گونه ابزار غیر مسالمت‌آمیزی را در مخالفت یا موافقت با حکومت حاکم توصیه نمی‌کند، مشکل است وی را برای کسب قدرت سیاسی متهم نمود. گولن در تعریف جامعه آرمانی خود می‌گوید:

قرآن کریم تقریباً تمامی شرایط محقق شدن یک نظام دموکراتیک مدرن را عنوان نموده است. اسلام، حکومتی بر پایه قرارداد اجتماعی را توصیه نموده است. نظامی که در آن مردم، مجریان قانون را انتخاب کنند و از طریق تأسیس شورا درباره مسائل عمومی بحث نمایند و در اغلب موارد مربوط به جامعه، ناظر بر اعمال مجریان باشند. بطور خاص در طول حکومت چهار خلیفه مسلمین (۶۶-۶۳۲ میلادی)، اصول اساسی حکومتی اسلام از جمله انتخابات آزاد بطور دقیق اجرا شد. (Gulen, 2002: 17)

جنبش گولن امروزه به شبکه‌ای اجتماعی و آموزشی مذهبی گفته می‌شود که دیگر به مسلمانان و در محدوده آسیای مرکزی محدود نمی‌شود بلکه در کشورهای اروپایی نیز به فعالیت آموزشی خود پرداخته و در کنار آموزش سکولار با تعلیمات اخلاقی و مذهبی مبتنی بر دین اسلام، تلاش می‌کند تا وضعیت مسلمانان را در دنیای مدرن بهبود بخشد. آخرین تخمین‌ها حاکی از

فعالیت نزدیک به یک‌هزار مرکز آموزشی این جنبش در بیش از یکصد کشور در سراسر جهان می‌باشد. (Knowlton, 2010) شعار اصلی گولن در این باره «ساخت یک مدرسه بهتر از ساخت یک مسجد» است و پیروان وی نیز در اواخر دهه ۸۰ میلادی، شروع به ساخت مدارس و خوابگاه‌های دانش آموزی در کشور هلند نمودند و این فعالیت را از سال ۱۹۹۴ به بعد در آلمان نیز انجام دادند بطوری که تا سال ۲۰۰۹ تعداد مدارس این جنبش به ۵۰ مدرسه در سراسر اروپا رسید. در کلاس‌های درس مدارس گولن مسائل مذهبی چندان مورد بحث قرار نمی‌گیرند زبان اصلی تدریس انگلیسی و یا زبان کشورهای میزبان است و تنها در برنامه‌های فوق برنامه به مسائل مذهبی پرداخته می‌شود. بیشتر دانش آموزان این مراکز فرزندان ترک‌های مهاجر به آلمان بوده‌اند و اغلب، شهریه اندکی را از والدین آنان دریافت می‌کنند زیرا این مراکز با پشتیبانی افراد ثروتمند پشتیبان گولن فعالیت می‌کنند.

در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی که از سطح بالای نظام آموزشی برخوردارند سطح نفوذ گولن به جمعیت مهاجران ترک‌تبار محدودتر است اما در کشورهای حوزه آسیای مرکزی چون آذربایجان و قزاقستان به ویژه از دهه ۱۹۹۰ میلادی و بدنبال فروپاشی شوروی به این سو، سطح تأثیرگذاری گولن بسیار بیشتر بوده تا حدی که حتی برخی از خانواده‌های غیرمذهبی نیز فرزندان خود را برای ادامه تحصیل به مراکز آموزشی گولن فرستاده‌اند. جنبش گولن تلاش می‌کند تا از پیوند با سایر سازمان‌های اسلامی غیر ترک‌تبار در اروپا خودداری گردد. شاید یکی از دلایل این تمایز این باشد که بر عکس سایر جنبش‌های اسلامی فعال در اروپا پیروانشان را به مقابله با فرهنگ بیگانه و عدم سازگاری و همزیستی با آنان دعوت می‌نمایند، جنبش گولن هوادارانش را به لزوم ادغام در جوامع غربی و زندگی و فعالیت با اکثریت غیر مسلمان تشویق می‌کند. پشتیبانان مالی جنبش گولن اغلب تاجران ترک‌تبار ساکن کشورهای اروپای غربی بوده‌اند که مهمترین نقش را در سازماندهی این جنبش و تسهیل برقراری ارتباط اعضا با یکدیگر ایفا نموده‌اند.

اما در مقابل، برخی از تحلیلگران معتقدند وی از حمایت‌های ایالات متحده آمریکا نیز برخوردار بوده است تا مدل اسلام سنی با برداشت خاص خود همراه با گرایش صوفی‌گرایانه را به منظور جلوگیری از گسترش مدل شیعی نظام جمهوری اسلامی ایران در آن منطقه ارائه نماید. (Mizell, 2011) بحث ارتباط جنبش گولن با سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سی‌ای‌ای) و حمایت آمریکایی‌ها از وی با انتشار کتابی از یک مقام امنیتی و اطلاعاتی سابق ترکیه بنام عثمان نوری گوندس آغاز شد. وی در خاطرات خود ادعا نموده بود که جنبش فتح‌الله گولن در دهه ۹۰ میلادی در موارد متعدد به عنوان پناهگاه و پوشش ماموران سی‌ای‌ای در آسیای مرکزی عمل کرده است. وی به صراحت اظهار داشته بود که «گولن تنها در مدارس خود در قرقیزستان و ازبکستان ۱۳۰ مامور سیا را پناه داده است.» (طباطبائی، ۱۳۸۹) سیبیل ادموندز از مامورین اف بی‌ای نیز در این مورد اظهار نموده است که ایالات متحده آمریکا از طریق

گولن عملیات اسلامی کردن آسیای مرکزی را از اواخر سال ۱۹۹۷ و اوایل ۱۹۹۸ آغاز نموده است. (همان)

فعالیت جنبش گولن تنها به زمینه‌های اجتماعی و آموزشی محدود نمی‌شود بلکه با انتقاد بی‌وقفه از نظام لائیک ترکیه، هدف خود را تغییر ذهنیت و نگرش مردم عادی و ترویج نوعی محافظه‌کاری سنتی قرار داده است و برای رسیدن به جامعه آرمانی خود، از شبکه وسیعی از رسانه‌های دیداری-شنیداری در اختیار خود اقدام می‌کند. گرچه نحوه فعالیت این جنبش همانند سایر جنبش‌های اجتماعی جدید به صورت شبکه‌ای است اما دارای پایگاه محلی بوده و مانند هر سازمان دیگری از امکان سلسله مراتب اداری نیز برخوردار است. (Scott, 1990: 30 همان‌گونه که برخی احزاب سیاسی مثل احزاب سبز اروپا که در درجه نخست یک جنبش زیست محیطی هستند ولی به وقت نیاز، پای جنبش را به عرصه سیاست رسمی باز می‌کنند (نش، ۱۳۸۹: ۱۳۳) جنبش گولن و حزب عدالت و توسعه نیز همین وضعیت را داشته و تأثیرپذیری رهبران حزب عدالت و توسعه از جنبش گولن و ارتباط اعضای آنها با یکدیگر را می‌توان در این جهت تبیین نمود. در مقابل، لائیک‌های ترکیه نیز همواره تلاش کرده‌اند جنبش گولن را به حرکت زیر زمینی سیاسی متهم کنند. اینان از اصطلاح «فرقه» که با ماهیتی تبعیض‌آمیز برای دست کم گرفتن گروه‌ها و جمعیت‌های عقیدتی بکار برده می‌شود برای جنبش گولن نیز استفاده می‌شود. اگر چه جنبش گولن با غیر سیاسی خواندن خود، رسماً تمامی اتهامات وارده مبنی بر براندازی، ارتجاعی و توطئه‌گری را رد می‌کند اما واقعیت این است که این جنبش علاوه بر ماهیتی اجتماعی دارای نوعی از سازماندهی سیاسی نیز می‌باشد.

اندیشه محافظه‌کاری کلاسیک غربی

اندیشه سیاسی محافظه‌کاری آن هم از نوع غربی را می‌توان به روشنی در آثار و فعالیت گولن مشاهده کرد. ایدئولوژی محافظه‌کاری که در واکنش به جریان عقل‌گرایی و جنبش روشنگری و لیبرالیسم غرب رشد و نمو یافت بر قداست سنت‌ها، مالکیت، خانواده، مذهب، دولت و دیگر نهادهای جا افتاده و قدیمی تأکید می‌کند. محافظه‌کاران از آغاز با اندیشه‌های اصلی تجدد غربی یعنی آزادی، برابری، عقل‌گرایی و جدایی دین از سیاست و دولت مخالفت می‌ورزیدند و از حفظ سلسله مراتب و امتیازات سنتی دفاع می‌کردند. (بشیریه، ۱۳۸۶: ۱۲۲) محافظه‌کاری ضمن انتقاد اصولی نسبت به تغییرات عقل‌گرایانه در جامعه، معتقد است اصلاحات اجتماعی بایستی با احترام به «نظم اجتماعی» انجام شوند و نهادهای دیرپای اجتماعی مبتنی بر قیود مذهبی باید به فعالیت خود ادامه دهند. از نظر اینان، دولت یک نهاد «طبیعی» بوده و از حفظ «نظم کهن» دفاع می‌نمایند و به همین دلیل با تغییرات انقلابی در جامعه مخالفت می‌ورزند. از میان محافظه‌کاران سنتی می‌توان به ادموند برک بریتانیایی اشاره کرد که در انتقاد به انقلاب

کبیر فرانسه، آن را انقلابی علیه یگانه نماد الهی مورد تایید خداوند بر روی زمین یعنی «پادشاه» می‌دانست و آزادی که هدف انقلابیون فرانسه بود از دید او جز افسار گسیختگی و نوعی آنارشی بیش نبود. (جونز، ۱۳۶۱: ۲۷۷) گولن نیز همچون محافظه کاران، با دیدی انتقادی نسبت به تمامی ایدئولوژی‌های سیاسی بجز ایده محافظه‌کاری سنتی که خود در زمره آن قرار می‌گیرد، چنین سخن می‌گوید.

ما اعتقاد نداریم که در آینده، همه چیز از تکه‌های سرمایه‌داری یا از توهم کمونیسم، یا بقایای سوسیالیسم و یا پیوند تلفیقی سوسیال دموکراسی و یا شکل سنتی لیبرالیسم بر خواهند آمد. حقیقت امر آن است که جهان آینده جهانی گشوده به سوی یک نظم نوین جهانی است. این جهان ما خواهد بود. (Gulen, 2005)

متفکران و سیاستمداران راستگرا و چپگرا همواره به دو دلیل عمده بسوی اسلام جذب شده‌اند، راستگرایان بدلیل برداشتی محافظه‌کارانه از اسلام و چپگرایان بدلیل وجود عنصر عدالت اجتماعی در دین اسلام و برداشتی عدالت طلبانه از آن دین. آنچه درباره گولن می‌توان گفت این است که در وی هیچ‌گونه تمایل چپ‌گرایانه‌ای وجود ندارد چنانچه خود بارها در نقد سوسیالیسم سخن گفته است اما برخلاف اظهار وی مبنی بر اینکه اسلام یک دین است و نمی‌توان از آن به عنوان یک ایدئولوژی و ابزار سیاسی استفاده کرد، برداشت و تفسیر وی از اسلام همواره محافظه‌کارانه بوده است. گولن با دیدگاهی ارگانیکی، جامعه را بعنوان یک کل در نظر می‌گیرد که اجزای آن با یکدیگر هماهنگ هستند و هیچ شکاف تمدنی و فرهنگی وجود ندارد. از نظر وی جامعه مثل هر موجود اندام‌واره دیگری است که هر یک از اندام و اعضای مختلف کارکرد خاص خود را دارند و اصل در این اختلاف کارکردها، تضاد و کشمکش نبوده بلکه همدلی و مشارکت جمعی می‌باشد.

به همین منظور، گولن برقراری گفتمان میان فرهنگ‌های مختلف برای تبادل علم و آگاهی و نظریات متنوع را لازم می‌داند و اولین گام در این زمینه را فراموش کردن اختلافات گذشته، نفی مجادله و اولویت قائل شدن برای نقاط اشتراک و به حاشیه راندن نقاط افتراق عنوان می‌کند. البته گولن گفتگو را تنها در جنبه گفتمان بین ادبانی برسمیت می‌شناسد و خدا ناباوران را در این دسته قرار نمی‌دهد چنانچه در سال ۲۰۰۴ خدانا باوری را با تروریسم برابر دانست و اظهار داشت که قاتلان و خدانا باوران تا ابد در جهنم خواهند سوخت. (Rubin, 2008) تعلق خاطر به «ملیت و هویت ملی» نیز از نظر او، از غرایز بشری و امری ذاتی است و «خانواده» و «ملت» از جمعیت‌های طبیعی بشری توصیف می‌شوند. در جهان بینی گولن زن و مرد مکمل یکدیگرند و نهاد خانواده بعنوان کوچکترین اما اصلی‌ترین نهاد جامعه قلمداد می‌شود که فرد در آن امکان تکامل می‌یابد. دیدگاه وی درباره «همکاری اجتماعی» نیز منطبق با اندیشه محافظه‌کاری کلاسیک است. گروه‌های متفاوت در جامعه از دید گولن مکمل یکدیگرند: «تمام روابط میان دولت-شهروند، کارفرما-کارگر، مالک-مستاجر، ارباب-رعیت، هنرمند-مخاطب،

وکیل-موکل و استاد-دانشجو جنبه‌های متفاوتی از وحدت کل جامعه را در بر می‌گیرند.» (Gulen, 2005: 102)
گولن یک آرمانگرا است، آرمانش تشکیل تمدنی بهتر است که در آن تغییر اخلاقی در جامعه بر ایجاد تغییر ساختاری و نهادی اولویت داشته باشد. از دید وی زمانی که جامعه از افرادی اخلاق مدار تشکیل شود بطور خود به خود جامعه‌ای سرشار از مهرورزی و مداراجویی نیز تشکیل خواهد شد. در نتیجه احساسی هماهنگ و ارگانیک میان ابناء بشر بوجود خواهد آمد وی در این باره می‌نویسد: «قوی‌ترین ارتباط میان افراد در خانواده، جامعه و ملت بر پایه محبت بوجود می‌آید.» (Gulen, 2004: 17) با این حال گولن خود را فردی مدرن و دموکرات معرفی می‌کند که معتقد است منافع فردی نبایستی در پای منافع جمعی قربانی شود بطوری که در این باره بیشترین استفاده را از مفهوم قرآنی «کشتن یک فرد کشتن تمام ابناء بشر است» نموده است. (Gulen, 2005: 102)

در اندیشه متفکران اسلامی بخصوص متفکران اهل تسنن برقراری «امنیت» حتی از طریق اعمال زور مستقیم و از طریق «غلبه» و استیلا سابقه‌ای طولانی داشته است که خود نشانگر دیدگاهی محافظه‌کارانه می‌باشد. برای نمونه رشید رضا معتقد بود که خلافت براساس استیلا تا زمانی که قواعد شرع در آن رعایت شود و برای جلوگیری از فتنه و آشوب، مورد پذیرش است هر چند که این نوع خلافت از دید وی خلافت مطلوبی نباشد. (عنایت، ۱۳۶۲: ۸۱) ابن تیمیه، نظریه پرداز اسلامی‌ای که اندیشه اش در وهابیت تأثیر بسیاری داشته است نیز معتقد به حفظ امنیت جامعه حتی با وجود سلطان جائر بود و وجود سلطان جائر را بر بی‌حکومتی ترجیح می‌دهد.

گولن پشتیبان جدی دولت بعنوان تنها شکل قانونی اراده ملت است. وی در انتقاد از تروریسم معتقد است که طبق شریعت اسلامی تنها دولت‌ها حق اعلام جنگ را دارند. (Gulen, 2005: 129) بدین ترتیب وی همواره از اقدامات نظامی دولت ترکیه علیه آنچه به اعتقاد وی تمایلات آنارشیستی بوده‌اند، دفاع نموده است. بدین ترتیب او مخالف استفاده از خشونت در جهت کسب مقاصد سیاسی است و هرگونه خشونت در این راستا را نفی کرده و آن را حیوانی می‌پندارد. او هم چون هر اندیشمند محافظه‌کار دیگری در جهان بر اهمیت برقراری نظم در جامعه و احترام به دیگران تأکید می‌کند. (Gulen, 2004: 246-247) گولن هیچ ارتباطی میان اسلام و تروریسم نمی‌بیند و معتقد است توسل برخی از مسلمانان به تروریسم و اقدامات به گفته او آنارشیستی بدلیل عدم درک صحیح آنان از آموزه‌های اسلامی است. وی در این زمینه بخشی از قصور را متوجه دولت‌های حاکم بر جوامع اسلامی می‌داند که اجازه درک مناسب و دقیق از اسلام را به مسلمانان نداده‌اند و راه حل درمان تروریسم را در ارتقای سطح آموزش افراد جامعه می‌داند. گولن هم چنین برای حفظ وحدت در جامعه بر اهمیت «میهن دوستی و غرور ملی» ملت ترکیه تأکید می‌کند.

همان طور که پیشتر گفته شد از نظر گولن ایجاد دگرگونی در جامعه جز از طریق اخلاقی شدن افراد جامعه امکان پذیر نخواهد شد. البته وی جنبش خود را یک حرکت غیر سیاسی می‌داند ولی در هیچ یک از نوشته‌هایش اظهار نداشته که اعضای «نسل طلایی» پیروی او نبایستی از مبارزه در راه کسب قدرت سیاسی اجتناب ورزند. این نگاه محافظه‌کارانه گولن به جامعه آرمانی در نهایت وی را به دفاع از خلافت عثمانی می‌کشاند. پس از فروپاشی خلافت عثمانی، آتاتورک لزوم جدایی نهاد دین از حکومت را اعلام نمود و اظهار داشت که ما از آسمان‌ها یا مواردی نامرئی الهام نمی‌گیریم بلکه تنها از زندگی این جهانی الهام می‌گیریم. (Gozaydin, 2009) اما در ادامه این روند، سکولاریزه نمودن نهاد حکومت به حوزه سیاسی محدود نماند و کل جامعه را در بر گرفت. از دید گولن ساختارهای لائیک جمهوری ترکیه ارتباط ارگانیک با مردم ترکیه و نهادهای دوره عثمانی نداشتند و پروژه کمالیستی تلاشی رادیکال برای تحمیل نهادهای جدید و غیر طبیعی بر ملت بود. نتیجه این دیدگاه این است که هر نهادی به منظور پایداری بایستی بر پایه مذهب تشکیل شود. این نظر شبیه نظر ادmond برک محافظه کار بریتانیایی است که می‌گفت: «هم چون سایر ملل، ویژگی اساسی ما نیز مذهب، زبان، تاریخ و میهن مان است.» (Gulen, 2005: 85)

جامعه اسلامی مطلوب گولن جامعه دوران چهار خلیفه اول مسلمانان است چرا که از دید وی از طریق انتخابات آزاد برگزیده شده بودند. از نظر وی در اسلام جایی برای استبداد و خودکامگی وجود ندارد و پس از آنان که رهبری جوامع اسلامی در دست سلاطین قرار گرفت بخاطر این بود که از محتوای دموکراتیک و اسلامی خود تهی شده بودند. گولن درباره جنسیت رهبر اسلامی اشاره مختصری دارد که در صدر اسلام تمایزی وجود نداشته است چرا که عایشه همسر پیامبر اکرم (ص) رهبری نظامی را برعهده داشته است اما از آنجا که مسئله زنان از مسائل اصلی دیدگاه وی نمی‌باشد با پیروی از مشی محافظه‌کارانه، بحث بیشتری ارائه نمی‌کند. وی درباره نقش زنان در صدر اسلام معتقد است که اسلام به هیچ وجه مانع فعالیت زنان در بیرون از خانه نبوده است و در آن زمان ظلمی علیه زنان واقع نمی‌شد اما با شیوه فمینیسم غربی نیز که آن را واکنشی همراه با دشمنی نسبت به مردان می‌داند، مخالف است. (Gulen, 2008) البته گولن بر تفاوت میان مشاغل طاقت فرسای مردان و استراحت چندین ماهه زنان برای زایمان و کناره گیری الزامی وی از فعالیت در بخش اجتماعی یا ممنوعیت سفر بدون همسر یا پدر نیز معتقد است که وی را نه تنها یک محافظه‌کار بلکه به اعتقاد برخی «زن ستیز» معرفی می‌کند. (Turam, 2007: 125) از زمان اقامت در ایالات متحده، گولن و پیروانش ارتباطات نزدیکی را با گروه‌های محافظه‌کار مسیحی آمریکایی برقرار نموده‌اند.

جنبش گولن و حزب عدالت و توسعه

ارتباط جنبش گولن و حزب عدالت و توسعه از پیچیده‌ترین مسائل مربوط به این جنبش بوده است که همواره از سوی منتقدان و مخالفان آنان اظهار شده است. درباره درستی یا نادرستی

این مطلب، تحقیق علمی و معتبری صورت نگرفته و این چنین ادعاهایی صرفاً در حوزه رسانه‌ها مطرح شده که بررسی ما در این باره را با دشواری مواجه ساخته است. جنجال مربوط به گولن و مقاصد سیاسی وی از سال ۱۹۹۹ آغاز شد در آن زمان یکی از شبکه‌های تلویزیونی ترکیه (ATV) تصاویری از مراسم مذهبی گولن را به نمایش گذارد که در آن فتح‌الله گولن پیروان خویش را به نفوذ در بوروکراسی ترکیه تشویق می‌کرد و به آنان تعلیم می‌داد تا فرارسیدن زمان مناسب، صبر کنند و در لحظه نهایی عملیات خود را تکمیل نمایند. پس از این فیلم، گولن به ایالات متحده مهاجرت نمود و دادگاه قانون اساسی وی را متهم به اقدام علیه اصل لائیسیته نمود. اما بنیاد نویسندگان و روزنامه نگاران (GYV) در دفاع از جنبش گولن معتقد است «این جنبش بر پایه اصول انسانی و جزئی از جامعه مدنی ترکیه است و هدفی سیاسی ندارد و مخالف حزب خاص سیاسی‌ای هم نیست.» (Today's Zaman, 5 April 2012)

البته این گفته در تضاد با اظهارات جنبش گولن است که به هنگام انتقاد از حزب جمهوری خواه خلق، جریان لائیک ترکیه را فاقد پایگاه گسترده مردمی عنوان کرده بود و در عمل نیز هواداران گولن در ترکیه در غیاب وی دست به فعالیت گسترده تجاری و آموزشی زده‌اند و روزنامه زمان به زبان ترکی، زمان امروز (Today's Zaman) به زبان انگلیسی و شبکه تلویزیونی جاده ابریشم (Silk Road) را تأسیس نموده‌اند. جنبش گولن از هر حزبی که به بهبود وجهه ترکیه در سطح جهانی کمک نماید حمایت می‌کند و حزب عدالت و توسعه نیز بدلیل لغو رژیم قیمومتی نظامیان مورد احترام جنبش بوده است. لائیک‌های ترکیه به این دلایل و با استناد به بازداشت هفت ماهه گولن در سال ۱۹۷۱ به دلیل فعالیت‌های تبلیغاتی غیر قانونی مذهبی، فعالیت‌های فرهنگی وی را پوششی در جهت پنهان ساختن مقاصد سیاسی وی می‌دانند و معتقدند جنبش گولن در پی وارد نمودن عناصر خود به داخل ساختار دولتی بخصوص ارتش آن کشور بوده است آنان اخراج افسران و امرای رده بالای ارتش ترکیه که به اصول کمالیسم ثابت قدم بودند را نیز به تحریک پیروان گولن می‌دانند. (Jenkins, 2007) اینان با اعتقاد به ارتباط گولن با عناصر سیاسی عضو حزب عدالت و توسعه اظهار می‌دارند که این جنبش با تشکیل یک امپراتوری رسانه‌ای در ترکیه، بسیاری از شبکه‌های مالی و بانکی و مدارس و دانشگاه‌ها را تحت کنترل خود در آورده است.

از زمان تأسیس حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۱، پیروان گولن و طریقت صوفی‌گری ترکیه از این حزب حمایت نموده‌اند. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور کنونی و نخست وزیر پیشین ترکیه، خود یک پیشینه طریقتی داشته است و اکثر اعضای کابینه وی نیز به جنبش گولن تمایل و گرایش دارند و در اغلب سمینارها و مراسم مذهبی و انجمن‌های خیریه این جنبش مشارکت می‌کنند. (Jenkins, 2007) عبدالله گل، رئیس جمهور پیشین ترکیه نیز که خود از

هواداران گولن بوده است، یکی از اعضای جنبش گولن بنام یوسف ضیاء اوزکان را بعنوان رئیس شورای عالی آموزش ترکیه منصوب کرده بود. (Ibid, 2007) حزب عدالت و توسعه در سیاست‌گذاری‌های خود نیز عملاً همسو با اهداف جنبش گولن در زمینه آموزشی حرکت می‌کند که از آن جمله می‌توان به دور اول زمامداری این حزب اشاره نمود که با تأکید بر درس مذهبی، در محتوای کتب آموزشی تغییراتی ایجاد کرد و هم چنین زمینه اشتغال صدها واعظ مذهبی عضو سازمان دیانت ترکیه بعنوان مدرس در مدارس دولتی این کشور را فراهم کرد. (Cumhuriyet, 23 Dec. 2007) البته از آنجا که هیچ اتحاد و اختلافی برای همیشه ماندگار نیست، عوامل دیگر اخیراً موجب بروز اختلاف میان فتح‌الله گولن و رجب طیب اردوغان شده که باعث کنار گذاشتن عبدالله گل از حزب و نخست‌وزیری احمد داود اوغلو به عنوان نفر دوم حزب عدالت و توسعه شده است و گولن نیز از سوی دادگاهی در ترکیه فراخوانده شده است که همه اینها نیاز به بررسی دیگری دارد که در این مقاله نمی‌گنجد.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ذکر شد اندیشه فتح‌الله گولن تنها محدود به امور اجتماعی نمی‌شود بلکه با تأکید بر آموزش سنت ترکی و امور مذهبی در پی حفظ هویت اسلامی مردم ترک‌تبار در داخل و خارج از ترکیه است و با ارائه یک برداشت محافظه‌کارانه سازگار با اندیشه محافظه‌کاری کلاسیک با هرگونه تغییرات سریع و بنیادین در جامعه مخالفت ورزیده و حداکثر با اصلاحات تدریجی بدون دگرگونی در ساختارهای سنتی جامعه همراهی می‌کند. از نظر وی اسلام و مدرنیته با یکدیگر سازگار بوده و از طریق آموزش می‌توان جامعه سنتی ترکیه را با تمدن نوین همساز و همراه کرد. برداشت صوفیانه وی از اسلام که بی‌سابقه در جامعه سنتی ترکیه نبوده است به یک جنبش گسترده اجتماعی تبدیل شده و ترویج رفتار مسالمت‌آمیز برای دستیابی به جامعه آرمانی خود فعالیت سیاسی این جنبش را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. با این همه، تأکید بیش از حد وی بر لزوم دنباله‌روی از نظام سرمایه‌داری و اقتصاد آزاد و همچنین تأثیرپذیری و حمایت رهبران حزب عدالت و توسعه از اندیشه و جنبش وی بر رونق و استقبال اندیشکده‌های آمریکایی و اروپایی از گولن افزوده است.

کتابنامه

الف- منابع فارسی

۱. بارتز، هاوبکر (۱۳۷۱). تاریخ اندیشه‌های اجتماعی، (جلد دوم)، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: نشر همراه.
۲. بشیری، حسین (۱۳۸۶)، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، تهران: نشر نگاه معاصر.
۳. جونز، و.ت (۱۳۶۱)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، تهران: امیرکبیر.
۴. طباطبائی، سید حسین (۱۳۸۹)، «فتح‌الله گولن و همکاری با CIA در آسیای مرکزی؛ افشاگری یا پروژه؟»، بررسی استراتژیک.
۵. عنایت، حمید (۱۳۶۲)، تفکر نوین سیاسی اسلام، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر.
۶. قادری، حاتم (۱۳۸۷)، اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سمت.
۷. کدیور، محمد علی (۱۳۸۶)، «پدر نسل طلایی، جنبش آموزشی فتح‌الله گولن در ترکیه»، هفته نامه شهروند امروز.
۸. نش، کیت (۱۳۸۹)، جامعه شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.

ب- منابع انگلیسی

9. Aristotle (1944), "Aristotelian in 13 Volumes, Vol.21: Politics", Cambridge, MA: Harvard University Press.
10. Brignone, Michele (2011), "Fehullah Gulen: I have no other goal than to Please God", Fethullah Gulen Official Web Site, <http://en.fgulen.com/press-room/news/3733-michele-brignone-oasis-fethullah-gulen-i-have-no-other-goal-than-to-please-god>.
11. Can, Sefik (2004), "Fundamentals of Rumi's Thought, A Mevlevi Sufi Perspective", Somerset, NJ: The Light.
12. Cetin, Muhammed (2010), "The Gulen Movement: Civic Service without Borders", New Jersey: Blue Dome.
13. Gardom, Judith (2010), "Religion in Contemporary Society: Turkey", Farmington Report: Cambridge.
14. Gozaydin, Istar B. (2009), "The Fethullah Gulen movement and Politics in Turkey: a Chance for democratization or a Trojan horse?", London: Routledge.
15. Gulen, Fethullah (2000), "Advocate of dialogue", Fairfax: The Fountain.
16. Gulen, Fethullah (2000), "Pearls of Wisdom", Fairfax, VA: the Fountain.

17. Gulen, Fethullah (2002), *“Essay-Perspectives-Opinions”*, New Jersey.
18. Gulen, Fethullah (2004), *“Toward a Global Civilization of love and tolerance”*, New Jersey: The light.
19. Gulen, Fethullah (2005), *“The Statue of our Souls: Revival in Islamic thought and activism”*, New Jersey: The light.
20. Gulen, Fethullah (2008), *“Women Confined and Mistreated”*, <http://en.fgulen.com/recent-articles/2897-women-confined-and-mistreated.html>
21. Gulen, Fehullah (2012), *“Is the Gulen Movement a political movement, action or actor?”*, Fethullah Gulen Official Web Site, <http://en.fgulen.com/about-gulen-movement/4047-is-the-gulen-movement-a-political-movement-action-or-actor>.
22. Gundem, Mehmet (2005), *“11 Days with Fethullah Gulen: An Analysis of a Movement with Questions and Answers”*, Istanbul: Alfa, <http://en.fGülen.com/content/view/1925/14/>.
23. Jenkins, Gareth (2007), *“AKP Forming Closer Links With The Gulen Movement”*, *Eurasia Daily Monitor*, Vol.4, Issue,217.
24. Knowlton, Brian (2010), *“Turk Who Leads a Movement Has Advocates and Critics”*, *The New York Times*, June 11.
25. Meral, Ziya (2008), *“Fethullah Gulen Versus Ayatollah Khomeini?”*, *Turkish Daily News*, 30 june.
26. Mizell, Aland (2011), *“Is Fethullah Gulen Working for the CIA?”*, 30 April, <http://www.kurdishaspect.com/doc043011AM.html> .
27. Roditi, Edouard (1985), *“Western and Eastern Themes in the Poetry of Yunus Emre”*, Journal of Comparative Poetics, No.5, *The Mystical Dimension in Literature*.
28. Rubin, Michael (2008), *“Tureky’s Turning Point: Could there be a Islamic Revolution in Turkey?”*, *National Review Online*, April 14, <http://www.meforum.org/1882/turkeys-turningpoint>.
29. Scott, A. (1990), *“Ideology and the New Social movements”*, London: Unwin Hayman.
30. Sharon-Krespin, Rachel (2009), *“Fethullah Gulen’s grand ambitious: Turkey’s Islamist danger”*, *Middle east Quarterly*.
31. Sidney, Tarrow (1994), *“Power in Movement: Collective Action, Social Movement and Politics”*, Cambridge University Press.
32. Tilly, Charles (2004), *“Social Movement, 1768-2004”*, Boulder, CO, Paradigm Publisher.
33. Touren, Alain (1981), *“The Voice and the eye: An Analysis of Social movements”*, Cambridge : Cambridge University Press.
34. Turam, Berna (2007), *“Between Islam and the State: The Politics of Engagement”*, Stanford, CA: Stanford University Press.

35. Yavuz, Hakan, and Esposito, John L. (2004), “*Turkish Islam and the Secular State*”, Syracuse: Syacse University Press.

36. www.guleninstitute.org/about-gulen/biography